

نقد کهن‌الگوها در داستان گنبد سبز هفت‌پیکر نظامی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تحلیل کهن‌الگوها در داستان گنبدسبز هفت‌پیکر حکیم نظامی گنجه‌ای است. بررسی متون ادبی براساس نقد روان‌شناسانه یکی از رایج‌ترین انواع نقدهاست که براساس آن منتقد، روح هنرمند را می‌کاود و به لایه‌های پنهان روح و ذهن او پی می‌برد و از این طریق هنر او را بهتر می‌شناسد. هفت‌پیکر چهارمین منظومه نظامی است که موضوع آن زندگی بهرام گور و ازدواج او با هفت دختر از هفت کشور است. در این منظومه بیشتر از روایات و افسانه‌های شاهان گذشته استفاده کرده و به بازآفرینی آن‌ها دست زده است. هفت‌پیکر نظامی اثری است که به دلیل نوع داستانی و جنبه عرفانی موارد بسیاری از کهن‌الگوها را در خود جای داده است و در کاربرد کهن‌الگوها، نمادها و اشارات عرفانی، یکی از بی‌ماندترین متون در زمینه نقد کهن‌الگویی است. ساختار روایت داستان گنبد سبز متشکل از عناصر طرحی است که در اغلب داستان‌های کهن ایرانی دیده می‌شود. نظامی در شرح فرایند فردیت قهرمان گنبد سبز، از مجموعه کهن‌الگوهای روانشناسی تحلیلی از جمله آنیما، پیردانا، سایه، بیابان، آب و رنگ سبز بهره گرفته است. ظهور قهرمان، تقابل عقل و شرع، تسلط موقت و ابتدایی خرد، سفر و ریاضت، راهنمای شرع، تعادل و آرامش نهایی، رسیدن به وحدت روانی و فردیت در سایه کهن‌الگوی عشق براساس نظریه یونگ با طرح کلی فرایند فردیت روانی منطبق و قابل تحلیل است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نقد کهن‌الگوها در داستان گنبد سبز هفت‌پیکر نظامی.
۲. بررسی فرایند فردیت قهرمان گنبد سبز از دیدگاه نظامی.

سوالات پژوهش:

۱. بررسی نقد کهن‌الگوها در داستان گنبد سبز هفت‌پیکر نظامی چگونه است؟
۲. فرایند فردیت قهرمان گنبد سبز از دیدگاه نظامی چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: کهن‌الگو، هفت‌پیکر، گنبد سبز، نظامی.

مقدمه

در میان اساطیر اقوام مختلف دنیا، درون‌مایه‌ها و تصاویر مشترکی دیده می‌شود که با وجود فاصله زمانی و مکانی بسیار، به یک شکل تکرار می‌شوند. این درون‌مایه‌ها و تصاویر مشترک را که حاصل تجارب جمعی نوع بشر است و ریشه در ناخودآگاه جمعی افراد دارد، کهن‌الگو می‌نامند. کهن‌الگو از مفاهیم کلیدی روان‌شناسی تحلیلی یونگ است که به نقد ادبی وارد شده است و شاخه‌ای به نام نقد «کهن‌الگویی» یا «اسطوره‌شناختی» را به وجود آورده است. نقد کهن‌الگویی، از مباحث روان‌شناسی، مردم‌شناسی و اسطوره‌شناسی برای تحلیل متن کمک می‌گیرد و با آن‌ها ارتباط نزدیکی دارد. کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵ - ۱۹۶۱ م) ناخودآگاه را به دو دسته ناخودآگاه فردی و ناخودآگاه جمعی تقسیم کرد؛ درکنار ناخودآگاه فردی که تجربیات و احساسات واپس‌زده خودآگاه شخص هستند، به نوع دیگری از ناخودآگاهی در روان انسان پرداخت که نه حاصل تجربه شخص، بلکه نتیجه تجارب انسان‌های قرون گذشته است و در روح و روان فرد ذخیره شده‌اند (یونگ، ۱۳۷۹: ۸۹ - ۹۰). «ناهشیاری جمعی باتوجه‌به این واقعیت که به تجربه شخصی، بستگی ندارد و نمی‌تواند به‌طور فردی کسب شود، از ناهشیاری شخصی متمایز می‌شود. به این ترتیب، با عمیق‌ترین و گسترده‌ترین قشر روان روبه‌رو هستیم، مخزنی از مواد ناهشیاری که هرگز به هشیاری نرسیده‌اند» (پالمر، ۱۳۸۸: ۱۴۹). پایمر در تعریف خود از کهن‌الگوها گفته است: «واژه کهن‌الگو به معنای اندیشه به ارث رسیده نیست؛ بلکه یک شیوه ارثی کنش روان است که همانند روش بیرون آمدن از تخم، لانه‌سازی پرندگان، نیش‌زدن عقرب به گره عصبی یک هزارپا و راه‌یابی مارماهی‌ها به آب‌های شیرین است. به بیان دیگر، یک الگوی رفتاریست (پالمر، ۱۳۸۸: ۱۵۰).» به اعتقاد فروید و پیروانش هر ساخته هنری به‌مثابه رؤیا، اسطوره و قصه عقده‌های واپس‌زده‌ای است که در زوایای ضمیر ناخودآگاه هنرمند پنهان است و شخص آن را به‌صورتی نمادین بیان می‌کند. یعنی موجب تلطیف، اعتلا و والایش آن می‌شود (ستاری، ۱۳۶۶: ۳۷).

شولتز در این‌باره می‌گوید: «آن‌چه را که یونگ کهن‌الگو نامید، تجربه‌های اجدادی موجود در ناهشیار جمعی است که به شکل تصاویر ظاهر می‌شوند» (شولتز، ۱۳۸۷: ۱۱۴). از آن‌جا که شمار نمادهای کهن‌الگویی در هفت‌پیکر فراوان است و بررسی تمامی آن‌ها به درازای سخن می‌انجامد؛ در جهت رسیدن به لایه‌های پنهان شخصیت و پرده برداشتن از افکار و باورها نظامی که انعکاسی از درون ناخودآگاه شاعر است؛ این مقاله به بررسی و تحلیل کهن‌الگوها در داستان گنبد سبز (بُشر پرهیزگار و ملیخای بدطینت) هفت‌پیکر نظامی می‌پردازد.

در زمینه کهن‌الگوها در ادبیات ایران در آثار «مهرداد بهار» از جمله اساطیر ایران، ریشه‌های اساطیر ایرانی بررسی شده و به تعدادی از کهن‌الگوهای موجود آن‌ها اشاره شده است. اکرمی و پاشایی (۱۳۸۹) در بررسی تطبیقی آرکی‌تایپ در حماسه‌های گیلگمش و رستم به مقایسه و تحلیل دو قهرمان اسطوره‌ای، ناخودآگاه جمعی بشر و طرز تفکر مردمان باستان پرداخته‌اند. حسینی کازرونی و محمدی باغملایی (۱۳۹۲) به بررسی تصاویر کهن‌الگویی در غزلیات حافظ پرداخته و کهن‌الگوهای آنیما، پیرفرزانه، سایه، نقاب، خلقت، جاودانگی، جان، بخت، آرمان‌شهر و آتش را در اشعار حافظ تحلیل کرده‌اند. خسروی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به بررسی که الگوی سایه از مهم‌ترین موضوعات نظریه یونگ در شاهنامه پرداختند. هاشمی و جعفری (۱۳۹۲) در تحلیل نمادها و کهن‌الگوها در بخشی از خسرو و شیرین به بررسی کهن‌الگوهای برجسته که درون‌مایه اصلی منظومه را شکل می‌دهد، پرداخته‌اند.

روش پژوهش در این بررسی توصیفی - تحلیلی و ارزیابی کمی است؛ از این رو، با استخراج اشعار و سروده‌های شاعر از کتاب دیوان خمسه نظامی حکیم نظام‌الدین الیاس نظامی گنجوی براساس چاپ مسکو- باکو انتشارات هرمس نحوه پرداختن شاعر در کهن‌الگوها بحث و بررسی می‌شود.

نتیجه‌گیری

هفت‌پیکر نظامی اثری است که به دلیل نوع داستانی و جنبه عرفانی، موارد بسیاری از کهن‌الگوها را در خود جای داده است و در کاربرد نمادها، کهن‌الگوها و اشارات عرفانی یکی از بی‌ماندترین متون در این زمینه است. در خلال روایت‌های هفت گنبد، نمود کهن‌الگوهای اسطوره‌شناختی و کهن‌الگوهای روانشناسی تحلیلی بسیار چشمگیر است. ساختار روایت داستان گنبد سبز متشکل از عناصر طرحی است که در اغلب داستان‌های کهن ایرانی دیده می‌شود. نظامی در شرح فرآیند فردیت قهرمان گنبد سبز، از مجموعه کهن‌الگوهای روانشناسی تحلیلی از جمله آنیما، پیر دانا و سایه بهره گرفته است. ظهور قهرمان، تقابل خرد و شرع، تسلط موقت و ابتدایی خرد، سفر و ریاضت؛ راهنمای شرع، تعادل و آرامش نهایی براساس نظریه یونگ، این عناصر ابتدایی با طرح کلی فرآیند فردیت روانی منطبق و قابل تحلیل است. فرآیندی که طی آن پس از روبه‌رو شدن با نیروهای سایه و تعامل مثبت با ابعاد گوناگون ناخودآگاهی، با رسیدن قهرمان داستان به مرحله شهود تعادل و سازگاری در خودآگاه برقرار می‌شود. از بُعد سلوک عرفانی، طی این سیر و سفر عرفانی قهرمان داستان با پا گذاشتن در وادی معرفت الهی ضمن رد زدن بر خرد با تکیه بر طریقت و شریعت به فردیت من دست می‌یابد.

منابع و مأخذ:

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۷۹). ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام. تهران: طرح نو.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۸۰). دفتر عقل و آیت عشق. جلد اول، تهران: طرح نو.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۹۷۱). در تعارض العقل والنقل. تحقیق محمد رشاد سالم، قاهره: مطبوعه دارالکتب.
- ابن عربی، محی‌الدین محمد. (۱۳۲۹ق). الفتوحات المکیه فی معرفه أسرار المالکیه والملکیه. به کوشش عثمان یحیی، ۱۳ جلدی، قاهره: بی‌نا.
- اپلی، ارنست. (۱۳۷۱). تعبیر خواب. ترجمه: دل‌آرا قهرمان، تهران: فردوس.
- اکرمی، میرجلیل؛ پاشایی، محمد. (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی، آرکی تایپ در حماسه‌های گیلگمش و رستم». علامه، شماره ۲۶، ۱-۲۰.
- پالمر، مایکل. (۱۳۸۸). فروید، یونگ و دین. ترجمه محمد دهگانپور و غلامرضا محمودی، تهران: رشد.
- جلالی، علی. (۱۳۹۴). «درج معانی الگوی تحلیل واژگانی متون عرفانی». پژوهش‌های ادب عرفانی، شماره ۲۹، ۱۳۸-۱۰۹.
- خسروی، اشرف؛ براتی، محمود؛ روضاتیان، مریم. (۱۳۹۲). «بررسی کهن‌الگوی سایه در شاهنامه»، فصلنامه علمی پژوهشی کاوشنامه، شماره ۲۷، ۱۰۲-۷۵.
- رازی، نجم‌الدین. (۱۳۸۳). مرصادالعباد. به تصحیح محمد امین ریاحی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۲). پیر گنجه در جست‌وجوی ناکجاآباد، تهران: انتشارات سخن.
- ستاری، جلال. (۱۳۶۶). رمز و مثل در روانکاوی. تهران: توس.

شایگان فر، حمیدرضا. (۱۳۸۴). نقد ادبی. تهران: انتشارات دستان.

شیمیل، انه ماری. (۱۳۷۰). شکوه شمس. ترجمه: حسن لاهوتی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

قائمی، فرزاد و دیگران. (۱۳۸۸). «تحلیل نمادینگی عناصر خاک و باد در اساطیر و شاهنامه فردوسی براساس نقد اسطوره‌ای». فصلنامه ادب پژوهی، انتشارات دانشگاه گیلان. ۵۷-۸۲.

قبادی، حسینعلی و بیگدلی، سعید و نیکوبخت، ناصر و ادناوی. (۱۳۸۹). «تحلیل نسبت میان جهان درون و جهان برون از دیدگاه مولوی در مثنوی». فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ش ۲۷، ۱۲۰-۱۰۱.

قشیری، امام ابوالقاسم. (۱۳۷۴). ترجمه رساله قشیریه. تصحیحات و استدراکات از بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.

کاشانی، عزالدین محمودبن‌علی. (۱۳۶۷). مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه. تصحیح جلال‌الدین همایی، چ ۳، تهران: مؤسسه نشر هما.

کویاجی، جهانگیر کوورچی. (۱۳۷۹). آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان. ترجمه جلیل - دوستخواه، تهران: علمی و فرهنگی.

گرین، ویلفرد و مورگان، لی. ویلینگهم، جان. (۱۳۸۵). مبانی نقد ادبی. فرزانه طاهری (مترجم)، تهران: نیلوفر.

مرتضایی، بهزاد. (۱۳۹۱). «جایگاه عقل در جهان‌بینی عرفانی ابن‌عربی و دلایل ناتوانی آن در شناخت حق». اندیشه نوین دینی، شماره ۲۹، ۲۱۲-۱۹۵.

مورنو، آنتونیو. (۱۳۸۴). یونگ، خدایان و انسان مدرن. داریوش مهرجویی (مترجم)، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.

نژاد صداقت، حورا. (۱۳۸۸). «آب از ایران باستان تا شعر سپهری». چیستا، شماره ۲۶۴ و ۲۶۵، ۱۲-۹.

نظامی، الیاس‌بن‌یوسف. (۱۳۸۱). هفت پیکر. تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: نشر ایران سخن.

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.

یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۷۹). روح و زندگی. ترجمه لطیف صدقیانی، تهران: جامی.

----- (۱۳۷۰). خاطرات، رویاها، اندیشه‌ها. ترجمه: پروین فرامرزی و خسرو هوشیاری، مشهد: آستان قدس رضوی.

هاشمی، مرتضی؛ جعفری، طیبه. (۱۳۹۲). «تحلیل نمادها و کهن‌الگوها در بخشی از خسرو و شیرین نظامی». نشریه زبان و ادب فارسی، شماره ۲۲، ۱۳۰-۱۱۵.